

شماره سند: ۱۳۰۱
 تاریخ: ۱۳۰۱/۰۱/۰۱
 محل: تهران
 موضوع: ...
 امضاء: ...
 مهر: ...

زندگی و آشنایی

محمد عبدی
 بهرام بیضایی



www.ketab.ir

عبدی، محمد، ۱۳۵۳ -	
غریبه بزرگ: زندگی و آثار بهرام بیضایی / محمد عبدی، تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۲	
ISBN 978-600-405-004-3	شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۰۰۴-۳
فیهای مختص	
شماره کتابشناسی ۳۸۱۳۲۲۵	



دفتر مرکزی: خیابان گریسحان زند سینا، شهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم / تلفن: ۸۸۳۰۲۴۳۷
فروشگاه: خیابان کر مخان / بیر ایران شهر و ماهشهر / پ ۱۴۸ / تلفن: ۸۸۳۲۵۳۷۶-۷

■ غریبه بزرگ: زندگی و آثار بهرام بیضایی

● محمد عبدی ● ناشر: نشر ثالث

● مجموعه هنر، موسیقی، سینما، تئاتر

● چاپ اول: ۱۳۹۲ / ۱۱۰۰ نسخه

● لیتوگرافی: ثالث ● چاپ: سازمان چاپ احمدی ● صحافی: مینو

● کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است

ISBN 978-600-405-004-3

● شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۰۰۴-۳

پست الکترونیکی: Info@salesspub.co

● سایت اینترنتی: www.salesspub.co

● قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

فهرست

۷	مقدمه
۹	زندگی‌نامه
۵۱	گزین گوشتها
۸۵	تحلیل
۱۴۳	مقالات برگزیده
۲۰۹	فیلم‌شناسی
۲۶۷	مقاله‌شناسی
۳۰۳	کتاب‌شناسی

مقدمه

بهره‌ای بیضائی نمونه کامل سینماگری است مؤلف، که آثار و اندیشه‌هایش حول محورهای خاصی می‌گردد. او فیلم به فیلم به مایه‌های ثابتی می‌پردازد که جملگی دغدغه‌های راستینش هستند. از این رو به راحتی می‌توان ارتباط ویژه‌ای بین فیلم و او جستجو کرد. هر شخصیت در فیلم، به شکلی در فیلم دیگر تکرار می‌شود. به ندرت می‌توان ادامه می‌یابد. در نتیجه فیلم‌های بیضائی ضمن این‌که هر یک به خودی خود کاملاً هستند، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و در مجموع شمایی کلی از دنیای یک هنرمند سی‌سخت با جهانی کاملاً ویژه ترسیم می‌کنند که فقط و فقط مختص خود او است و به دلیل بی‌نهایت خاص بودن این دنیا - و دروغین و ظاهری نبودن آن - قابل تقلید نیستند.

شخصیت‌های اصلی دنیای بیضائی متفاوت هستند. آن‌ها با هر نوع محافظه‌کاری، زد و بند و سازشکاری بیگانه‌اند. اغلب یک‌ه و تنها در مقابل پلیدی‌ها می‌ایستند. این روحیه شخصیت‌های اصلی بیضائی، دقیقاً برگرفته از زندگی و افکار خود اوست؛ روحیه‌ای که با آن بزرگ شده است. بیضائی در گفتگویی با نگارنده - برای این کتاب - می‌گوید: «پادم هست که در درهٔ بستان اولین بار عصیان کردم، آن هم در مدرسهٔ علامه، سر چهارراه لشکر که فقط کتک می‌زدند. این مدرسه مدیری داشت که فقط از طریق کتک با ما حرف می‌زد. معلمی داشتیم که اعلام کرد برای هر تعداد غلط دیکته باید آن را ضرب در خودش کنیم و به این تعداد از روی دیکته بنویسیم. یعنی به خاطر چهار غلط باید شانزده بار از روی دیکته می‌نوشتیم یا اگر کسی بیست غلط داشت باید

چهارصد بار می نوشت. من دیکته ام خوب بود و معمولاً بیست می شدم. اما وقتی معلم اعلام کرد: «همه فهمیدند» من دستم را بلند کردم و گفتم: «نه» گفتم: «چطور نفهمیدی؟» گفتم: «این کار درست نیست و اصلاً یعنی چه؟ چطور یک آدم می تواند یک شبه چهارصد بار از روی یک دیکته بنویسد؟» گفتم: «خفه شو بشیر» نشستم. گفتم: «تو که دیکته ات خوب است» گفتم: «من برای خودم نمی نویسم» گفتم: «به هر حال قانون همین است» و شروع کرد به دیکته گفتن. من ننوشتم. سفید دادم و صفر شدم. گفتم: «باید چهارصد بار از روی دیکته بنویسی» گفتم: «یکم هم نمی نویسم» گفتم: «حالا می بینیم» فردا رفتم مدرسه بدون این که روی دیکته را به تن من خرد کرده: «تمام ساعت چوب را به تن من خرد کرد که: «می نویسی یا نه» من گفتم: «نه» نمی نویسم» و بالاخره ننوشتم. «بهرام بیضائی طی حدود چهل سال فعالیت حرفه ای در عرصه تئاتر و سینما، همین رویه اش را حفظ کرده است او کسی است که دیکته نمی نویسد، گیریم تمام ساعت در مدرسه کتک بخورد یا سالها بی کار بماند و فیلم نسازد. او هیچ گاه حاضر نیست به خاطر بقا یا غم نان چیزی را بپذیرد که دوست ندارد. به یک معنی او آدمی به شدت اصول گراست که حاضر نیست به هیچ بهایی از اصولش صرف نظر کند. همین روحیه را ببینید در «آقای شکستی» فیلم رگبار (معلمی که از هر سو مورد هجوم است و بالاخره مجبور به ترک محیط می شود)، «آیت» فیلم غریبه و مه (مردی که از جایی ناشناخته می آید و سرانجام به همان جای ناشناس برمی گردد: تمثیلی از به دنیا آمدن ما و در جهان، پیرزن کلاغ (که در جستجوی گذشته گمشده اش است)، «تار» ی چریکه (که با آیین ها و اسطوره ها در کشاکش است)، «کیان» شاید وقتی دیگر (که باز در جستجوی گذشته گمشده و هویتش است)، «خانم بزرگ» مسافران (که با ایمان و اعتقادش می خواهد حتا بر مرگ غلبه کند) و «گلرخ» سگ کشی (که یک تنه در مقابل همه پلیدی ها می ایستد). همه این شخصیت ها روحیاتی دارند برگرفته از شخصیت خود بیضائی. در دهه شصت یکی از مسئولان سینمایی به صراحت به او گفته بود: «ما نویسنده نمی خواهیم، تایپیست می خواهیم» اما تایپیست به راحتی می شود پیدا کرد، نویسنده نه. بهرام بیضائی نویسنده است.